

[قسامه‌ی کافر 1](#_Toc7337674)

[دلیل اعتبار قسامه‌ی کافر 2](#_Toc7337675)

[وجوه عدم حجیت قسامه‌ی کافر 2](#_Toc7337676)

[وجه اول: قسامه خلاف اصل است 2](#_Toc7337677)

[وجه دوم: اطلاقات قسامه 3](#_Toc7337678)

**موضوع**: قسامه /طرق اثبات قتل /قصاص

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در قسامه منتهی شد به قسامه‌‌ی در اعضاء که جهاتی از بحث در آن مطرح شد که بحث آن به طور مفصل بیان شد و اکنون بحث در قسامه را در جهت دیگری دنبال می کنیم.

# قسامه‌ی کافر

یکی از فروعات بحث قسامه مسأله‌ی قسامه‌ی کافر است. این مسأله در کلمات معروف به گونه ای مطرح شده است و در کلمات مرحوم خوئی به گونه‌ی دیگری مطرح شده است که به نظر خلطی در کلمات مرحوم خوئی وجود دارد. آنچه در کلمات معروف در این مسأله مطرح است قسامه‌ی کافر موضوع بحث است و اینکه ایا قسامه‌ی کافر مسموع است یا نه در جایی که ادعا علیه مسلمانی باشد. آنچه در کلمات مرحوم خوئی آمده است این است که مقتول کافر است و بحث این است که آیا قسامه در جایی که مقتول کافر است جاری است یا نه؟ مرحوم خوئی فرموده است: «إذا كان القتيل كافراً فادّعى وليّه القتل على المسلم و لم تكن له بيّنة، فهل تثبت القسامة حينئذٍ؟ وجهان، قيل: تقبل، و هو لا يخلو من إشكال، بل منع»[[1]](#footnote-1) مفاد این عبارت این است که اگرمقتول کافر باشد هر چند ولی او مسلمان هم باشد ممکن است که قائل به جریان قسامه شویم. پس حیث کلام ایشان این است که مقتول مسلمان نیست. طبق این فرض این بحث پیش می اید که آیا اگر مقتول مسلمان نبود با قسامه اثبات قتل او ممکن است یا نه بلکه قسامه‌ی کسی مسموع است که با اقامه‌ی قسامه بتواند اثبات قصاص کند و اگر قرار باشد مقتول کافر باشد هر چند ولی او مسلمان است چون دلیل می گوید «لا یقاد مسلم بذمی»[[2]](#footnote-2) و با اثبات قسامه قصاص جاری نمی شود پس قسامه هم جاری نیست. این حیث از کلام مرحوم خوئی غیر از آن حیثی است که در کلام فقها آمده است که در کلام آنها عبارت «قسامة الکافر» آمده است یعنی جایی که اقامه کننده‌ی قسامه و ولی دم کافر است. اگر بنا باشد ولی دم کافر باشد باید فرض این شود که مقتول هم کافر است چون اگر مقتول مسلمان باشد در این صورت کافر از مسلمان ارث نمی برد ولی فرض کلمات قوم جایی است که ولی دم مسلمان نیست و لذا کلماشان این است که آیا با قسامه‌ی کافر نه قسامه‌ی بر مقتول کافر اثبات جرم می شود علیه مسلمانی که نتیجه اش ثبوت دیه بر عهده‌ی مسلمان است. شاهد اینکه کلام قوم ناظر به فرضی است که ولی دم کافر باشد برای عدم سماع قسامه‌ی او استدلال به آیه‌ی نفی سبیل کرده اند و اگر عبارت مرحوم خوئی مراد بود جایی برای استدلال به این آیه نبود چون طبق فرض ایشان ولی دم مسلمان است. کأنّ فرض مشهور این است که قبول قسامه‌ی کافر و نه قبول قسامه بر قتل کافر. اینها دو جهت بحث هستند که در کلام مرحوم خوئی خلطی شکل گرفته است و عنوان را مقتول کافر آورده است و لذا استدلال مرحوم خوئی این است که چون مقتول کافر است ادله‌ی قسامه نسبت به کافر اطلاقی ندارد و موردش جایی است که مقتول مسلمان است.

# دلیل اعتبار قسامه‌ی کافر

از اطلاقات ادله‌ی قسامه، قبول قسامه‌ی کافر مستفاد است. دربعضی روایات قسامه آمده بود علت جعل قسامه «احتیاطا لدماء الناس»[[3]](#footnote-3) است که مفادش این است که جعل قسامه برای این است که هیچ انسانی کشته نشود.

# وجوه عدم حجیت قسامه‌ی کافر

در مورد اینکه قسامه‌ی کافر مسموع نیست وجوهی در کلام مرحوم صاحب جواهر و مرحوم خوئی ذکر شده است.

## وجه اول: قسامه خلاف اصل است

وجه اول این است که قسامه خلاف اصل است و در جایی که خلاف اصل باشد به مقدار دلیل از اصل تعدی می کنیم و آن دلیل هم اقتضای سماع قسامه در قتل مسلمان را دارد و نه کافر را. در برخی روایات آمده بود: «إِنَّ اللَّهَ حَكَمَ فِي دِمَائِكُمْ بِغَيْرِ مَا حَكَمَ بِهِ فِي أَمْوَالِكُمْ حَكَمَ فِي أَمْوَالِكُمْ أَنَّ الْبَيِّنَةَ عَلَى الْمُدَّعِي وَ الْيَمِينَ عَلَى الْمُدَّعَى عَلَيْهِ وَ حَكَمَ فِي دِمَائِكُمْ أَنَّ الْبَيِّنَةَ عَلَى مَنِ ادُّعِيَ عَلَيْهِ وَ الْيَمِينَ عَلَى مَنِ ادَّعَى لِكَيْلَا يَبْطُلَ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ»[[4]](#footnote-4) این یعنی دماء شما مسلمین، و کافر را شامل نیست.

## وجه دوم: مفاد روایات قسامه

وجه دیگری که در مقام هست مفاد بعضی از روایات است. از جمله در روایت برید آمده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع ... وَ قَالَ إِنَّمَا حُقِنَ دِمَاءُ الْمُسْلِمِينَ بِالْقَسَامَةِ لِكَيْ إِذْ رَأَى الْفَاجِرُ الْفَاسِقُ فُرْصَةً مِنْ عَدُوِّهِ حَجَزَهُ مَخَافَةُ الْقَسَامَةِ أَنْ يُقْتَلَ بِهِ فَكَفَّ عَنْ قَتْلِهِ»[[5]](#footnote-5) در این روایت فرموده است دماء مسلمین به وسیله‌ی قسامه حفظ می شود.

روایت دیگر صحیحه‌ی ابوبصیر است: «أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ‌ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَكَمَ فِي دِمَائِكُمْ بِغَيْرِ مَا حَكَمَ بِهِ فِي أَمْوَالِكُمْ حَكَمَ فِي أَمْوَالِكُمْ أَنَّ الْبَيِّنَةَ عَلَى الْمُدَّعِي وَ الْيَمِينَ عَلَى الْمُدَّعَى عَلَيْهِ وَ حَكَمَ فِي دِمَائِكُمْ أَنَّ الْبَيِّنَةَ عَلَى مَنِ ادُّعِيَ عَلَيْهِ وَ الْيَمِينَ عَلَى مَنِ ادَّعَى لِكَيْلَا يَبْطُلَ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ‌« در این روایت هم عدم پایمال شدن خون مسلمان را مطرح کرده اند که شامل کافر نمی شود.

مرحوم صاحب جواهر[[6]](#footnote-6) به این وجه اشکال کرده است که این روایات دال بر حصر اعتبار قسامه بر مسلمین نمی کند و ممکن است قسامه به نکته‌ی دیگری برای کافر هم ثابت باشد.

1. [مبانی تکملة المنهاج، السید أبوالقاسم الخوئی، ج2، ص114.](http://lib.eshia.ir/21001/2/114/حينئذ) [↑](#footnote-ref-1)
2. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج10، ص188.](http://lib.eshia.ir/10083/10/188/يقاد) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص361.](http://lib.eshia.ir/11005/7/361/احتياطا) [↑](#footnote-ref-3)
4. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص415.](http://lib.eshia.ir/11005/7/415/بكير) [↑](#footnote-ref-4)
5. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج7، ص361.](http://lib.eshia.ir/11005/7/361/مخافة) [↑](#footnote-ref-5)
6. [جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج42، ص257.](http://lib.eshia.ir/10088/42/257/شرعت) [↑](#footnote-ref-6)